

خط زرد

### توصیه های پیشگیری از سرقت اماکن خصوصی

- ورودی کانال کولر هر چند کوچک باشد با حفاظ فلزی مسدود شود.
- آذیر های حفاظتی محل کسب خود را طوری نصب کنند که به سادگی برای سارقان قابل تشخیص نباشد.
- تا حد امکان از قفل های سوئیچی استاندارد دو کتابی استفاده شود.
- در های مغازه از نوع کر که مشبک انتخاب شود تا شب هانیز روشنایی کافی در مغازه وجود داشته باشد.
- در زمان قطع برق، مراتب به مرکز فوریت های ۱۱۰ برای پیشگیری از سرقت های احتمالی گزارش شود.

سرهنگ محمد بوستانی

رئیس پلیس پیشگیری خراسان رضوی

از میان خبرها

### ۳ کشته در چند حادثه ترانندگی

تصادف پژو با کامیون در محور خوش بیلاق آزادشهر دو کشته به جا گذاشت. به گزارش رگنا، سرگرد حبیبی رئیس پلیس راه آزادشهر- شاهرود گفت: عصر دیروز بر خورد



سواری با کامیون در حدفاصل تقاطع روستای رحیم آباد موجب شد دو سرنشین پژو بر اثر شدت جراحات جان دهند. سرگرد حبیبی افزود: تجاوز به چپ سواری نسبت به کامیون به دلیل خستگی و خواب آلودگی علت این تصادف بود.

در حادثه ای دیگر بر اثر واژگونی خودرو یک نفر کشته شد و دو نفر مجروح و راهی بیمارستان شدند. سرهنگ "مصطفی عباسی" رئیس پلیس راهور استان فارس در این باره گفت: طبق گزارش مأموران پلیس یک سواری ۲۰۶ با سه سرنشین در بولوار چمران شهرستان شیراز در حرکت بود که پس از برخورد با درخت واژگون شدو بر اثر این حادثه یک نفر از سرنشینان فوت کرد و دو نفر دیگر مجروح و به بیمارستان منتقل شدند. همچنین رئیس اداره تصادفات پلیس راهور تهران از حادثه رانندگی در بزرگراه شهید چمران خبر داد و گفت: در این حادثه راکب موتورسیکلت فوت کرد. سرهنگ «احسان مؤمنی» اظهار کرد: در بررسی اولیه مشخص شد راننده خودروی سواری ۲۰۶ که قصد تغییر مسیر داشته به موتورسیکلتی که در همین مسیر در حال تردد بوده، برخورد می کند و متاسفانه راکب موتورسیکلت به زمین می خورد و بر اثر شدت ضربه جان خود را از دست می دهد.

## مهاجم ناشناس، دور هم نشینی چند جوان را به خون نشانده

# شیخیخون با کلاشینکف!



مشهد منتقل شدند اما جوان ۲۴ ساله که وحید براتی نام داشت بر اثر عوارض ناشی از اصابت چند گلوله جان سپرد. در همین حال جوان دیگری به نام بهنام-خ که هدف گلوله قرار گرفته بود به اتاق عمل هدایت شد و تحت عمل جراحی قرار گرفت و بدین ترتیب از مرگ نجات یافت.

بنابر گزارش خراسان، به دنبال اعلام این جنایت مسلحانه به قاضی ویژه قتل عمد، بی درنگ قاضی علی اکبر احمدی نژاد شبانه به همراه گروه تخصصی کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی عازم مرکز درمانی و محل وقوع جنایت شد.

بررسی های مقدماتی نشان داد که جوان مهاجم از سلاح کلاشینکف استفاده کرده و به صورت غافلگیرانه به دور هم نشینی چند جوان شیخیخون زده است که هنوز انگیزه مهاجم مسلح از این جنایت وحشتناک مشخص نیست. تحقیقات بیشتر در این باره با صدور دستورات ویژه ای از سوی قاضی احمدی نژاد توسط کارآگاهان ورزیده پلیس آگاهی ادامه دارد.

ساله اصابت کرد و آن ها غرق در خون شدند. با فرار مهاجم مسلح از صحنه این حادثه هولناک، بلافاصله دو جوانی که جان سالم به در برده بودند به یاری دوستان مجروح شان شتافتند و بانبروهای امدادی اورژانس، تماس گرفتند. دقایقی بعد دو مجروح این حادثه به بیمارستان امدادی شهید کامیاب

باغ ظاهر شد و با سلاحی که در دست داشت به طرف چهار جوان، آتش گشود. رگبار شلیک گلوله ها به حدی بود که فرصت هر گونه عکس العملی را از جوانان باغ نشین گرفت. دو جوان درازکش در همان حالت خود را به جوی آب و کنار خانه باغ کشیدند اما تعدادی از گلوله ها به دو جوان ۲۴ و ۲۲

### شوخی نابه جا بار دیگر فاجعه آفرید

# جنایت هولناک با چاقوی نوک کج!



متهم به قتل فراری را شناسایی کنید

با صدور دستور درج بدون پوشش تصویر متهم به قتل فراری در روزنامه خراسان از شهروندان خواست چنان چه از مخفیگاه وی اطلاعی دارند با پلیس ۱۱۰ یا تلفن های ۰۹۳۵۷۲۳۱۰۹۴-۲۱۸۲۵۲۶۷ انگیزه این جنایت وحشتناک را شوخی نا به جا دانستند. با این حال مقام قضایی

برخاست. گزارش خراسان حاکی است، وقتی جوان ۲۱ ساله خون آلود نقش بر زمین شد، امیرحسین پایای پیاوه و «جواد» سوار بر موتورسیکلت از محل گریختند. دقایقی بعد نیروهای اورژانس پیکر نیمه جان هادی را به بیمارستان امدادی مشهد رساندند اما تلاش کادر درمانی برای نجات او بی نتیجه ماند و مجروح این حادثه بر اثر عوارض ناشی از اصابت چاقوی نوک کج، جان خود را از دست داد. با مرگ این جوان ۲۱ ساله، نیروهای انتظامی ماجرا را به قاضی ویژه قتل عمد مشهد اطلاع دادند و این گونه تحقیقات قضایی با حضور قاضی احمدی نژاد در مرکز درمانی آغاز شد. به دستور مقام قضایی، توسط گروه زنده ای از کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی در حالی رصد های اطلاعاتی برای دستگیری متهم به قتل فراری ادامه دارد که شاهدان عینی انگیزه این جنایت وحشتناک را شوخی نا به جا دانستند. با این حال مقام قضایی

رسید و سر به سر جوانان مذکور گذاشت. او با «شوخی های بی جا» به هر کدام از جوانان روستا سخنی نامربوط می گفت یا با کف دست به پشت سر آنان می زد تا این که هادی جوان ۲۱ ساله به رفتارهای روستای ابرش سر کوجه ای در نزدیکی مسجد روستا نشسته و با یکدیگر در حال گفت و گو بودند. بنا به گفته برخی شاهدان در همین هنگام ناگهان جواد نو جوان ۱۶ ساله ای که رفتار متعادلی نیز نداشت از راه



تصویر چاقوی نوک کج (الت قتاله)

### مرگ کارگر ساختمانی بر اثر سقوط از ارتفاع

داد. به گزارش ایلنا، سرهنگ «علی سلیمانی» در باره جزئیات حادثه اظهار کرد: این حادثه

یک کارگر ساختمانی در شهر جدید هشتگرد به دلیل سقوط از ارتفاع، جان خود را از دست

### سرقت طلای دختر بچه ها

### در یک چشم به هم زدن

شدند و در یک عملیات غافلگیرانه متهم را دستگیر و به مقر پلیس منتقل کردند. سرهنگ فداء فرمانده انتظامی شهرستان کرمان گفت : متهم در بازجویی های تخصصی مأموران انتظامی چاره ای جز بیان حقیقت نداشت و به پنج فقره سرقت به عنف طلا و زیورآلات حساس برای پلیس تبدیل شد که به دنبال افزایش سرقت های مزبور، سرهنگ فداء مقام انتظامی شهرستان کرمان دستورات ویژه ای را برای رصدهای اطلاعاتی و شناسایی سارق یا سارقان، صادر کرد. بنابر این نیروهای کلانتری ۱۶ فرماندهی انتظامی شهر کرمان وارد عمل شدند و تحقیقات خود را در این باره آغاز کردند.

بنابر این گزارش، بررسی جزئیات پرونده و تجزیه و تحلیل های کارشناسی و اطلاعاتی نیروهای انتظامی حکایت از آن داشت که سارق، کودکانی را که طلا و زیورآلات دارند هدف قرار می دهد و با استفاده از یک دستگاه موتورسیکلت سواره این کودکان می شود و در کمترین زمان ممکن و در یک چشم به هم زدن اقدام به سرقت طلاها و زیورآلات کودکان می کند.

در همین زمینه، مأموران انتظامی کلانتری ۱۶ شهر کرمان با انجام اقدامات اطلاعاتی و پلیسی موفق به شناسایی مخفیگاه این سارق

در امتداد تاریکی

### وسوسه های هوس آلود!

از همان اوایل زندگی نسبت به همسر می تفاوت بودم و هیچ علاقه ای به او نداشتم. در واقع منتظر شاهزاده ای با اسب سفید بودم که «اسماعیل» به خواستگاری ام آمد و من با اصرار خانواده ام، در حالی پای سفره عقد نشستم که ۳۰ بهار از عمرم گذشته بود و...

این ها بخشی از اظهارات زن ۴۶ ساله ای است که با شکایت همسرش در یک خانه مجردی دستگیر شد. این زن جوان که مدعی بود علاقه ای به همسرش ندارد و می خواهد به تنهایی زندگی کند، درباره قصه ازدواجش به کارشناس اجتماعی کلانتری الهیه مشهد گفت: در یک خانواده چهار نفره به دنیا آمدم. پدرم شغل آزاد داشت اما زندگی مرفهی نداشتم. من هم پس از آن که در رشته علوم انسانی دیپلم گرفتم، در کنار مادرم به امور خانه داری پرداختم. همیشه با خودم فکر می کردم که باید جوانی پولدار، خوش تیپ و با کمالات به خواستگاری ام بیاید تا به او پاسخ مثبت بدهم اما سال ها پشت سر هم می گذشت و شاهزاده من از راه نمی رسید، تا این که بالاخره اسماعیل مرا در ۳۰ سالگی خواستگاری کرد. او شغل آزاد داشت و از نظر تیپ و قیافه هم به دلم نمی نشست. با این حال، خانواده ام به این دلیل که آرام آرام سن ازدواجم می گذرد، به ازدواج با اسماعیل اصرار کردند. من هم که دیگر چاره ای نداشتم، پای سفره عقد نشستم و زندگی مشترکم را در حالی آغاز کردم که هیچ حس و علاقه ای به همسرم نداشتم. با آن که صاحب یک دختر شده بودم بارها به همسرم گفتم هیچ عشق و عاطفه ای به او ندارم اما او که عاشقانه با من ازدواج کرده بود حرف هایم را جدی نمی گرفت و توجهی به آن نشان نمی داد.

اسماعیل همواره سعی می کرد رضایت مرا در زندگی جلب کند، به همین دلیل همه خواسته هایم را برآورده می کرد و برای رضایت من از این زندگی مشترک، همه تلاشش را به کار می گرفت. با این حال من نه تنها تمایلی به او نداشتم بلکه روز به روز هم بیشتر از او متنفر می شدم. البته حرف ها و جملات یکی از دوستانم در این حس تنفر نقش مهمی داشت. «فریده» زن مطلقه ای بود که اعتقاد داشت زن باید «آزاده» زندگی کند و تحت سیطره مرد نباشد. او می گفت زن نباید امر و نهی بشود و هر طور که دوست دارد باید زندگی کند. من هم که تحت تاثیر حرف های فریده قرار داشتم، ارتباطم را در حالی با او ادامه دادم که فهمیدم با چند جوان غریبه رابطه غیر اخلاقی دارد. در این میان، او مرا ترغیب کرد برای آن که آزادانه زندگی کنم، با پسر جوانی که به به منزل او رفت و آمد داشت، ارتباط برقرار کنم تا معنای «زن و مرد» در زندگی ام از بین برود و در واقع به سبک فرهنگ اروپایی زندگی کنم. من هم که علاقه ای به همسرم نداشتم، خیلی راحت حرف های فریده را پذیرفتم و به طور پنهانی با «هوشنگ» ارتباط عاطفی برقرار کردم. مدتی بعد، همسرم متوجه ماجرا شد به طوری که خشم و نفرت سراسر وجودش را فرا گرفت. به همین دلیل از خانه فرار کردم و با کمک فریده منزل مجردی را در منطقه دیگری از شهر اجاره کردم تا به قول معروف «آزادانه» زندگی کنم و با هر کسی که دوست دارم رفت و آمد داشته باشم. خلاصه، در حالی که زندگی مستقلی دور از چشم اسماعیل برای خودم تشکیل داده بودم، آرام آرام و به صورت پنهانی با دخترم ارتباط برقرار کردم و او را به سوی خودم کشیدم. او مخفیانه به منزل مجردی من آمد و من هم سعی می کردم او را آزاد بگذارم تا بیشتر به طرف من جذب شود. حتی دخترم را ترغیب به ارتباط با جنس مخالف می کردم و آن ها را در خانه تنهایی گذاشتم. آن قدر تحت تاثیر حرف های احمقانه فریده قرار گرفته بودم که با دست خودم در حال نابود کردن زندگی و آینده دخترم بودم. روزها به همین ترتیب می گذشت تا این که دخترم دیگر به منزل پدرش نرفت و زندگی با مرا ترجیح داد. از سوی دیگر، اسماعیل که متوجه ماجرا شده بود برای نجات دخترش از من شکایت کرد تا این که مأموران کلانتری الهیه به مخفیگاه من پی بردند و زمانی که قصد خروج از خانه را داشتم، با حکم قضایی دستگیرم کردند. حالا که عاقلانه به گذشته می اندیشم، تازه می فهمم که زنی ساده لوح هستم و به خاطر یک مشت حرف های بوج تحت تاثیر وسوسه های شیطانی «فریده» قرار گرفتم و زندگی ام را نابودی کشاندم. حالا هم اگر چه می دانم دیگر اسماعیل حاضر به زندگی با من نیست اما خوشحالم که مأموران انتظامی قبل از آن که دخترم در مرداب تفکرات هوس آلود من غرق شود، مرا دستگیر کردند و دخترم را نجات دادند اما ای کاش...

شایان ذکر است، با صدور دستوری از سوی سرهنگ توقیر حاجی زاده (رئیس کلانتری الهیه) پرونده این زن پس از بررسی های موشکافانه و کارشناسی در دایره مددکاری اجتماعی، برای طی مراحل قانونی به مراجع قضایی ارسال شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی